

مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های مصور دوره قاجار

فاطمه جباری^{۱*}، محسن مرآتی^۲

^۱ کارشناس ارشد نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲ عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۱۲)

چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود با مطالعه تطبیقی تصاویر منقوش بر کاشی‌های دوره قاجار، به چگونگی تاثیر پذیری آنها از آثار چاپ سنگی پرداخته شود. هدف از انجام این مطالعه، شناسایی یکی از منابع الهام کاشی نگاران دوره قاجار در تولید کاشی‌های مصور است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رواج و کثرت نسخ چاپ سنگی از جمله عواملی است که موجب گسترش هنرهای تصویری و رواج واقع‌گرایی به شیوه اروپایی در نیمه حکومت قاجار شده است. زیرا آثار چاپ سنگی به سهولت در اختیار سایر هنرمندان قرار می‌گرفت؛ لذا بسیاری از هنرها از جمله هنر کاشی کاری را تحت تاثیر خود قرار داد. از مقایسه میان تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های این دوره، نمونه‌های بارزی شناسایی شدند که آشکارا تاثیر پذیری نقاشی روی کاشی را از فنون و روش‌های تصویرسازی آثار چاپ سنگی اثبات می‌کند. این تصاویر در آغاز با سلايق هنر هندی، در هندوستان شکل گرفتند و پس از ورود به ایران، توسط کاشی نگاران ایرانی تقلید شده اند. نمونه‌های کاشی نگاری موجود در عمارت کاخ گلستان و نیز نمونه‌های موجود در مجموعه‌های خصوصی منسوب به شهر اصفهان، گواه بر این ادعا هستند. این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و مشاهده ای بوده است.

واژه‌های کلیدی

تصاویر نسخ چاپ سنگی، مصورسازی، کاشی نگاری، کاشی‌های مصور دوره قاجار، فنون نقاشی روی کاشی.

مقدمه

برای کاشی‌نگاری^۲ این دوران بوده که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. هنرمندان کاشی‌نگار به لحاظ تصویرگری و فنون بکار رفته در تصاویر چاپی از این تصاویر بهره گرفته و تأثیر آنها را در کاشی‌نگاره‌های خود آشکار ساختند. هدف از این مطالعه، شناسایی مواردی است که کاشی‌نگاران دوره قاجار در تولید کاشی‌های مصور از آثار چاپ سنگی الهام گرفته‌اند.

چاپ سنگی^۱ یا لیتوگرافی از آخرین شیوه‌های هنر ایرانی متداول در دوران قاجار است و گسترش آن مجموعه متعدد آثاری را فراهم آورد که در شکل‌گیری فرهنگ تصویری آن دوران نقش موثری داشتند. محبوبیت این هنر در میان مردم ارتباط میان تصاویر چاپ سنگی و دیگر هنرهای ایرانی را برقرار نمود. از جمله کاربرد این تصاویر، استفاده از آنها جهت تهیه الگو

روش تحقیق

در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، تأثیر پذیری کاشی‌نگاری از آثار چاپ سنگی مورد توجه قرار نگرفته است.

ویژگی‌های بصری آثار چاپ سنگی

برای درک چگونگی تأثیرپذیری کاشی‌نگاران دوره قاجار از تصاویر چاپ سنگی، شناسایی ویژگی‌های بصری این آثار ضروری است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در تصویرسازی‌های موجود در کتب چاپ سنگی، هم‌نوازی میان متن و تصویر مورد نظر تصویرگر است و خلاقیت او در بهره‌گیری از مبانی نقاشی ایرانی حائز اهمیت است. «اندیشه‌های هنرمندان قاجار به لحاظ مضمون و نوآوری، در عناصری همچون پیکره‌های انسانی، منظره‌سازی و طبیعت بی‌جان و یا تلفیق این‌ها با یکدیگر تجلی می‌یابد و بر نحوه نگرش تصویرگر دوره قاجار دلالت دارد» (جلالی جعفری، ۱۳۸۲، ۲۳).
۲- در این تصویرسازی‌ها با تأکید بر سادگی طرح و حذف رنگ، تزئینات لباس‌ها و بناها خلاصه گردیده است. در عوض بر قدرت بیان طراحی تأکید شده و در این زمینه، شیوه‌های طراحی، به خصوص مربوط به انسان، از سبک متداول دوره قاجار پیروی می‌کند. در مصورسازی کتاب‌های چاپ سنگی به ضرورت شیوه اجرا از ظرافت آثار کاسته شده است.

۳- در آثار چاپ سنگی، گرایش به طبیعت‌گرایی و مستندسازی دیده می‌شود. البته در کنار سطح نمایی نگارگری، حجم نمایی متأثر از ویژگی‌های هنر غربی نیز در برخی از آثار دیده می‌شود. در این تصاویر واقع‌گرایانه حجم پردازی و ایجاد سایه روشن و طبیعت‌گرایی به کمک هاشورزنی به عنوان بارزترین نمود بصری چاپ سنگی و در برخی دیگر با روش‌هایی نظیر نقطه چین اجرا شده است. هنرمندان چاپگر دوران قاجار، واقع‌گرایی موجود در آثار چاپ سنگی را جهت ارائه تصویری عامه‌پسند، همراه با نوشته به عنوان عاملی مهم در به تصویر کشیدن متون گوناگون بکار بستند.

۴- تأثیر عکاسی در اجرای نقاشی چهره‌ها و حالات مختلف

این مقاله حاصل پژوهشی است که از لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و مشاهده‌ای بوده است. بر این اساس در این پژوهش ابتدا تأثیرپذیری آثار کاشی‌نگاری دوره قاجار از تصاویر نسخ چاپ سنگی تشریح و اثبات می‌شود و سپس چرایی و چگونگی بوجود آمدن این تأثیرات تبیین می‌شود. این پژوهش براساس موضوع و شیوه تحقیق، پژوهشی سؤال محور بوده و به دنبال پاسخ گویی به این سوالات است که ۱- آیا کاشی‌نگاران دوره قاجار از تصاویر نسخ چاپ سنگی در تصویرگری کاشی‌های مصور متأثر بوده‌اند؟ ۲- در صورت تأثیرپذیری کاشی‌نگاران دوره قاجار از تصاویر نسخ چاپ سنگی، این تأثیرات چه مواردی را شامل می‌شوند؟ برای حصول نتایج و پاسخ‌گویی به سؤال‌ها، در آغاز ویژگی‌های تصویرسازی چاپ سنگی شناسایی و با آثار نقاشی روی کاشی تطبیق داده می‌شوند. از این طریق می‌توان دریافت که کاشی‌نگاران دوره قاجار چگونه از ویژگی‌های بصری و فنی آثار چاپ سنگی در جهت تکمیل شیوه کاشی‌نگاری خود بهره برده‌اند.

پیشینه تحقیق

درباره چاپ سنگی و آثار آن تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده و هر یک از آنها به نکات ویژه‌ای اشاره نموده‌اند. از جمله می‌توان به مقالاتی همچون: «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی مصور دوره قاجار» نوشته دکتر عبدالمجید حسینی‌راد و زهرا خان‌سالار، «تاریخچه چاپ سنگی در ایران» نوشته اکرم مسعودی، «هزار و یک سنگ» نوشته اولریش مارزلف و هاجر صمدی، «فرشته و دیو در آثار چاپ سنگی» نوشته سید طاهر موسوی و دکتر محمد خزائی اشاره کرد. علاوه بر موضوعات اشاره شده، ارتباط هنر چاپ سنگی با سایر هنرها از جمله عکاسی و نقاشی نیز مورد توجه برخی از هنرپژوهان قرار گرفته است. از جمله این مقالات می‌توان به مقاله «تأثیر تصاویر چاپ سنگی بر نقاشی معاصر ایران» نوشته مهدی مرادی شورجه و مرتضی افشاری، «سیر تحول مصورسازی کتب و نشریات به شیوه چاپ سنگی» نوشته مریم نظری و محسن مرائی اشاره کرد. اما تاکنون

برجسته، مسطح و تک رنگ ساخته شد. سه شیوه مختلف در این کاشی‌ها عبارت بودند از: لعاب تک رنگ، رنگ آمیزی مینایی بر روی لعاب و رنگ آمیزی زرین فام بر روی لعاب. در اوایل دوران ایلخانیان شیوه زرین فام بر روی لعاب بی رنگ بکار رفت. در قرن ۸ هـ. ق. ۱۴م تکنیک رنگ آمیزی زیر لعاب با سایر رنگ‌ها جایگزین نقاشی زرین فام شد. با زوال ایلخانان، کاشی‌های معرق موزاییکی چند رنگ در اواسط سده‌های ۸ هـ. ق. ۱۴م تا قرن ۹ هـ. ق. ۱۵م جایگزین قاب‌های عظیم زرین فام و کتیبه‌ها شدند. به علت کندی مراحل کار تهیه و نصب کاشی معرق در اواخر قرن ۹ هـ. ق. ۱۵م شیوه کاشی هفت رنگ با رنگ‌های متعدد و قابل تفکیک به اجرا درآمد. در دوران صفویه و در سده‌های ۱۰ و ۱۱ هـ. ق. ۱۶ و ۱۷م هنرمندان کاشی کار به طور گسترده و با استفاده از قاب‌های بزرگ و کنار هم کاشی، مناظر بدیع و پیکره‌های شخصیت‌های مختلف را در تزیین کاخ‌ها بکار گرفتند. همچنین تولید کاشی‌ها و سفال‌های معروف به آبی سفید همراه با زیر لعاب شفاف در این دوران رواج یافت (تصویر ۱). در دوران قاجار کاربرد شیوه هفت رنگ و کم و بیش معرق همراه با رنگ آمیزی زیر لعاب، روش غالب بود (کاربونی و ماسویا، ۱۳۸۱، ۱۱-۸).

گسترش کاشی‌نگاری در دوران قاجار و ظهور ویژگی‌های آثار چاپ سنگی در آنها

در زمان حکومت فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه تعدادی ابنیه مذهبی و غیرمذهبی با کاشی‌های هفت رنگ تزیین گردیدند. از نیمه دوم سده ۱۳ هـ. ق. ۱۹م و در زمان حکومت ناصرالدین شاه نقاشی بر روی کاشی گذشته از تزیین نمای داخلی و خارجی، در ابنیه‌های دولتی، خانه‌های اشراف، حسینیه‌ها، تکیه‌ها، حمام‌ها و زورخانه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. موضوعات متفاوت کاخ‌ها، همچون «قصرهای گلستان» و «سلطان آباد» در تهران و مناظری از عمارات و تصاویری گزارشی از «ناصرالدین شاه در حال سان

ایستادن و نشستن افراد در آثار چاپ سنگی به چشم می‌خورد که در تصاویر روزنامه‌ها و نشریات نمود چشمگیرتری دارند. علاوه بر آن تصاویر ابنیه تاریخی و مناظر طبیعی در کنار چهره رجال حکومتی و وقایع دربار بخش مهمی از تصاویر نشریات را تشکیل می‌دهند که عموماً از روی عکس‌های آن دوران باز سازی شده‌اند (مراثی، ۱۳۷۹، ۴۰۱).

۵- عنصر بصری اصلی در تصاویر چاپ سنگی خط است که از نظر فنی با روش چاپ سنگی تطابق بیشتری دارد. برای نمایش سایه روشن و مشخص شدن حالت سه بعدی عناصر تصویری، معمولاً از تکرار خطوط در کنار یکدیگر استفاده می‌شده است. با این وجود هنرمند ایرانی مانند نقاشان غربی همزمان خود، در جهت ایجاد عمق نمایی از سایه روشن استفاده نمی‌کند. نور معمولاً از روبرو، بر تصویر تابانیده شده و هیچ گاه سایه‌های شدید و طولانی در این تصویرسازی‌ها دیده نمی‌شود. هماهنگی میان عناصر بصری موجود در این تصاویر از ویژگی‌های مهم تصاویر چاپ سنگی است که تأثیری منطقی در بیننده برجای می‌گذارد. این تصاویر گاه تمام صفحه و گاه با متن ترکیب می‌شده و توضیحات لازم در کنار یا داخل تصویر درج می‌شده است. ۶- تصاویر چاپ سنگی به دلیل محدود بودن امکانات فنی و چاپی، فقط با رنگ سیاه قابل چاپ بوده و در مواردی از مرکب تک رنگ مثل آبی و قرمز استفاده می‌شده است. گاهی طراحی سرفصل‌ها و مجالس توخالی ترسیم و قلم‌گیری شده و رنگ آمیزی می‌شدند (خان سالار و حسینی راد، ۱۳۸۴، ۸۶).

نگاهی به تاریخچه هنر کاشیکاری

کاشی‌ها از قدیمی‌ترین عناصر تزئینی وابسته به معماری هستند که در تزیین بناهای مذهبی، کاخ‌های سلطنتی و اقامتگاه‌های اشخاص متمول، بچشم می‌خورند. در دوران سلجوقیان، گونه‌های مختلفی از کاشی به لحاظ طرح و شیوه،



تصویر ۲- شیرین و فرهاد، عمل کمترین مصطفی، بدون تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۳۱ هـ. ق. مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۵۱)



تصویر ۱- دیواره‌ای از سه نقاشی زیر لعابی، خمیر سنگی، کاشی‌های کوباجی، سده ۱۰ هـ. ق. ۱۶م آنهاد چندین رنگ زیر لعابی با پیکره‌هایی در حالات گوناگون و از جمله زنی که بچه‌ای را حمل می‌کند، نقاشی شده‌اند. چنین کاشی‌هایی برای کاخ‌ها یا عمارت‌های کلاه فرنگی‌هایی که توسط حکام صفوی در سراسر ایران بنا گردیده ساخته شده‌اند. ماخذ: (کاربونی و ماسویا، ۱۳۸۱، ۸)



تصویر ۵- چشم انداز کاخ، بدون رقم و تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۱۳هـ.ق. اندازه: ۴۰*۴۰ سانتیمتر، مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۲۶۲)



تصویر ۴- شیرین و فرهاد، عمل کمترین مصطفی، بدون تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۱۳هـ.ق. مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۵۱)



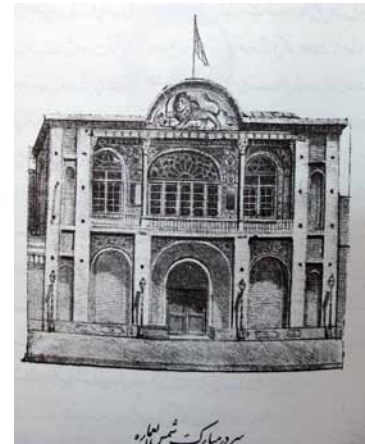
تصویر ۳- صورت سان در حضور مبارک، روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۴۷۴.



تصویر ۸- ناصرالدین شاه در شکارگاه، بدون رقم و تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۱۳هـ.ق. اندازه: ۶۰*۶۰ سانتیمتر، مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۹۶)



تصویر ۷- ناصرالدین شاه سوار بر اسب، روزنامه شرف، شماره ۱۲.



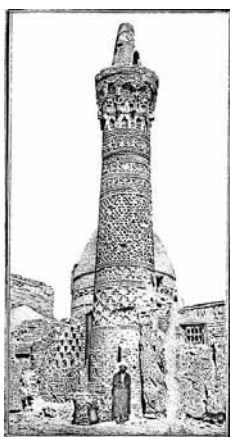
تصویر ۶- سردر شمس العماره، روزنامه شرف، شماره ۶۸.

یافته‌اند (تصاویر ۵و۶). همان طور که اشاره شد بسیاری از این کاشی‌ها بن مایه‌های ادبی و افسانه‌های ملی ایران، صحنه‌های نسخه برداری شده از روی عکس‌ها و کارت‌های پستی اروپایی، وقایعی عادی از زندگی ایرانیان آن زمان را به تصویر درآورده‌اند (فریه، ۱۳۷۴، ۲۹۱). در برخی از این آثار «همچون ناصرالدین شاه سوار بر اسب در جامه شاهی» نفوذ هنر اروپایی به وضوح آشکار است (تصاویر ۷ و ۸). در این میان ابتکاری تازه در نقاشی روی کاشی، از میان ذوق و سلیقه مردم کوچه و بازار برخاست و شیوه نوینی در نقاشی روی کاشی را بوجود آورد. این نقاشان بر اساس تجربه شخصی و اغلب بر اساس نقاشی‌های شاهنامه‌های چاپ سنگی که در آن روزگار در بمبئی و سپس در ایران به چاپ رسیده بود، آثار جدیدی را به وجود آوردند. با این تفاوت که چون در عرصه نقاشی روی کاشی میدان عمل گسترده‌ای وجود داشت، اغلب بنا به میل و سلیقه خود مجالس شاهنامه‌هایی را که نقاشی می‌کردند تغییر می‌دادند. در این آثار نیز نفوذ هنر اروپایی دیده می‌شود که در ادامه به نمونه‌های دیگری نیز اشاره خواهد شد (تصویر ۹).

دیدن از سربازان خود» و صحنه‌هایی از باورهای عامیانه و البته نگاره‌های فراوان گل و گیاهی معمول در معماری اسلامی دیده می‌شوند.

موضوعاتی همچون پیکره سوارکاران که اغلب در هوای آزاد طبیعت در حال سواری‌اند، در نیمه دوم سده ۱۳هـ.ق. ۱۹م تولید شدند (تصاویر ۲و۳). در این دوران در سده ۱۲هـ.ق. ۱۸م تصاویر با نوعی رنگ صورتی و با شیوه‌ای جدید بر روی کاشی کشیده می‌شدند (پورتر، ۱۳۸۱، ۸۲). البته این مجموعه کاشی‌های متأخر که اسلوب سایه اندازی و هاشور زنی فراوان با رنگ سیاه و توأم با مرکب قهوه‌ای را به نمایش می‌گذارند، برگرفته از تصاویر چاپ سنگی هستند (تصویر ۴).

در سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰هـ.ق. کاشیکاری‌های زیادی به نمای خارجی و دیوارهای باربر کاخ گلستان افزوده شدند. برخی از جذاب‌ترین این‌گونه کاشیکاری‌ها، پوشش افریزی در دهلیز بالای پلکان داخلی کاخ را تشکیل داده‌اند که تاریخ نصب آنها به سال ۱۳۰۴هـ.ق. باز می‌گردد و با اسلوب زیرلعابی نقش



مناره کنار مقبره بایزید در بسطام، چاپ سنگی، مرآت البلدان ناصری، ابوتراب غفاری



تصاویر ۱۰- پیرزاده در بسطام، بدون رقم و تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۱۳ هـ.ق، اندازه: ۴۰ * ۴۰ سانتیمتر، مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۲۶۰)



تصویر ۹- مجلس شاه عباس با پادشاه هند، بدون رقم و تاریخ، منسوب به نیمه دوم قرن ۱۳ هـ.ق، اندازه: ۴۰ * ۴۰ سانتیمتر، مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۹۵)



تصویر ۱۳- ضحاک، پیشدادیان، بدون رقم، تاریخ: ۱۳۱۶ هـ.ق، اندازه: ۶ * ۴ سانتیمتر، مکان: تکیه معاون الملک. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۱۹)



تصویر ۱۲- ۱۳۰۷، تهران، تصویرگر: مصطفی. ماخذ: (مارزلف، ۱۳۸۴، ۱۶)



تصویر ۱۱- شیخ صنعان و دختر ترسا، بدون رقم و تاریخ، منسوب به کاشی نگاران اصفهانی، منسوب به نیمه اول قرن ۱۴ هـ.ق، اندازه: ۷۰ * ۱۰۰، مکان: منسوب به شهر اصفهان (مجموعه خصوصی). ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۵۳)

بررسی تصویر چاپ سنگی با عنوان ضحاک اثر مصطفی

برای درک هرچه بهتر تأثیرپذیری کاشی نگاری از آثار چاپ سنگی، چند اثر شاخص کاشی‌های مصور دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نمونه‌های برجسته نقاشی روی کاشی، تصویر ضحاک و درباریان در تکیه معاون الملک در کرمانشاه و متأثر از نمونه چاپ سنگی آن است. تصویر چاپی آن مربوط به سومین نسخه شاهنامه چاپ سنگی و متعلق به یکی از «مجالس شاهانه» در داخل عمارت دربار است. موضوع، داستان ضحاک و دادخواهی کاوه از اوست.

در این مجلس، چهره شاه برگرفته از پیکرنگاری‌های فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه است و سنت آرایش چهره و جامه شاه نیز برگرفته از نمونه‌های اوایل دوران قاجار تا ابتدای دوران ناصرالدین شاه است؛ هرچند پوشش جامه رویی شاه و نحوه قرارگیری آن روی بدن به نوعی حالت لباس‌های برگرفته

با پدیدار شدن صنعت چاپ سنگی، تصویرسازان تعداد بیشماری از داستان‌های شاهنامه را به تصویر درآوردند. ریشه‌یابی منابع الهام تصویرسازی نسخه‌های اولیه چاپ سنگی که بر پایه نگاره‌های نسخ خطی بنا شده بودند، تأثیرات هنر هند را به وضوح آشکار می‌سازد.^۲ نخستین نسخه چاپ سنگی شاهنامه، در سال ۱۲۶۲ هـ.ق / ۱۸۴۶ م و دومین نسخه در سال ۱۲۶۶ هـ.ق / ۱۸۴۹ م در بمبئی به چاپ رسیدند. از آن جا که نسخه‌های ایرانی شاهنامه از نسخه‌های هندی پیشین الهام گرفته‌اند، بدون تردید این مسئله حاکی از تأثیر «سبک هندی» بر آخرین نسخه‌های ایرانی است. لذا هنرمندان کاشی‌نگار که از نمونه‌های چاپ‌های سنگی متفاوت در به تصویر درآوردن طرح روی کاشی‌ها بهره می‌بردند نیز از این نمونه‌های موجود استفاده کردند. روش اجرای تصاویر چاپ سنگی که به صورت هاشورهایی منقطع، منظم و بریده در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا منجر به نمایش سایه روشن‌ها و القای عمق و بُعد شوند، در تصاویر منقوش بر سطح کاشی‌ها دیده می‌شود (تصویر ۱۱).

بکار گرفته می‌شود. در برخی نمونه‌ها، خط به حالت بیانی^۴ اثر کمک کرده است. بدون شک هنرمندان کاشی‌کار در الگو گرفتن از روش چاپ‌های سنگی دلایل مختلفی داشتند. در این آثار کاربرد خط توسط هنرمند بهانه‌ایست در جهت حالت بیانی آن و بیان شیوه ترکیب‌های خشن باروک که حالتی زمخت به خود گرفته و در رساندن طرح به نتیجه نهایی کمک کرده است. در اینجا رنگ به احتمال زیاد بهانه‌ایست برای اتمام کار که به شیوه سایه روشن در تصویر نشان داده شده است؛ اما کمک قابل توجهی به بیان حالت بیانی آن نکرده است. تفاوت این مسئله در مقایسه با آثار هنرمندان کاشی‌کار که الگوی تصاویر خود را عناصر هندی منعکس شده در چاپ‌های سنگی قرار دادند، قابل تشخیص است. این هنرمندان استفاده از هاشورها را به شیوه‌ای ظریف در کنار رنگ‌ها قرار داده‌اند. در حالی که در آثار مصطفی طراحی شرط اصلی تکمیل تصویر بر سطح کاشی است.

نقش شیر و خورشید در چاپ سنگی و کاشیکاری

صنایع‌الملک پیشگام هنر گرافیک و لیتوگرافی در ایران است. وی به مصور کردن شاهکارهایی در زمینه واقع‌گرایی شبه‌عکاسی از رویدادهای مهم و اخبار رسمی و درباری و نیز تک‌چهره نگاری‌های شاهزادگان و رجال دربار قاجار در شماره‌های مختلف روزنامه دولت علیه ایران در سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۰ ه. ق. پرداخت. در آغاز تنها تصویر این نشریه نشان شیر و خورشیدی بود که در سرلوحه صفحه اول آن قرار می‌گرفت و به شیوه چاپ سنگی اجرا می‌شد. این سرلوح که در ابتدای کار در روزنامه وقایع اتفاقیه به نمایش درآمد، نشان شیر شمشیر به دست و خورشیدی است که در داخل نیم‌دایره‌ای قرار گرفته است. این تصویر به شیوه واقع‌گرا ارائه شده است که شیری غران با شمشیری در حال حرکت را نشان می‌دهد (تصاویر ۱۵). این نقش در کاشی‌هایی که با تاثیر از چاپ سنگی به تصویر در آمده نیز دیده می‌شود و تفاوت اندکی به لحاظ تصویرسازی در جزئیات آن به چشم می‌خورد.

تصویر رجال حکومتی بر کاشی

از موضوعات مهم دیگر این دوران چهره‌نگاری است. نقاشان دربار قاجار، شبیه‌سازی و بازسازی چهره شاهان را در حالات متفاوتی انجام می‌دادند. مانند نقش چهره در حالت نشسته روی صندلی، ایستاده، نشسته همراه با پشتی که شخص به آن تکیه داده که همگی از خصوصیات ویژه چهره نگاری این دوران و این آثار محسوب می‌شود (جلالی جعفری، ۱۳۸۲، ۴۰-۳۹). گرایش به طبیعت‌پردازی به همراه نفوذ هنر اروپایی و نمایش تفاخر و تجمل در این آثار دیده می‌شود. حالت عکس‌گونه در این آثار قابل تشخیص است. زیرا جهت شبیه‌سازی چهره اشخاص در

از نقاشی‌های دوران باروک است. نقاش با هاشورهایی موازی و افقی در سمت بالای تصویر به نمایش آسمان آرام و یکدست پرداخته است. اگرچه نقاش بازنمایاندن شیوه طبیعت‌گرایانه در تصویر را با روش سایه روشن‌های خفیف با هاشورهایی ریز و باریک در قسمت‌های مختلف لباس و چهره افراد به کار می‌گیرد، همچنان سعی در پیوند بین عناصر جدیدالورود نقاشی اروپایی با سنت نگارگری ایرانی داشته است. این تصویر توسط مصطفی، نقاش سیاه‌قلم دوران ناصری ترسیم شده و متشکل از هاشورهایی در اندام، لباس و دیگر قسمت‌ها است (مارزلف، ۱۳۸۴، ۱۶). همچنین این اثر یادآور چهره‌نگاره‌هایی است که توسط هنرمند همنام با مصطفی بر کاشی‌های موجود در تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه اجرا شده است (سیف، ۱۳۷۶، ۱۱۹). شایان ذکر است که این اثر یادآور چهره‌نگاری‌هایی نیز هست که صنایع‌الملک در روزنامه‌ی دولت علیه ایران اجرا کرده بود. در نمونه‌های قابل دسترس کاشی موجود در این تکیه به راحتی می‌توان شیوه و روش اجرای فنی و هاشورهایی که در آثار چاپ سنگی بکار گرفته شده‌اند را مشاهده نمود (تصاویر ۱۲ و ۱۳). از دیگر آثار مصطفی به تصویر سواره ناصرالدین شاه در کتاب چاپی خمسه نظامی گنجوی با امضای «رقم مصطفی ۱۳۰۱» می‌توان اشاره نمود (سرمدی، ۱۳۸۰، ۸۴۳). او در استفاده از دورنمای واقعی و نمایش سه بعدی اندام، کوشش کرد تا تأثیر نقاشی اروپایی را به نمایش گذارد. «وی تصویرگر سومین نسخه شاهنامه چاپ سنگی ایرانی است که در تهران در سال ۱۳۰۷ هجری چاپ شده و تا حدودی از دومین نسخه هندی بهره برده است» (مارزلف، ۱۳۸۴، ۱۱).

کاشی‌های موجود ذکر شده به خوبی تأثیرات هنر اروپایی دوران باروک را آشکار می‌کند به ویژه در نحوه نشستن ضحاک بر صندلی با اطوار خاص و پارچه‌ای که در هیأت ردا بر روی لباس‌های دیگر، روی اندام قرار گرفته یادآور تک‌چهره‌های رامبراند در سده ۱۷ میلادی اروپاست (تصویر ۱۴).

نقش عنصر بصری خط به عنوان عنصری مهم و شاخص در طراحی اولیه، در هر دو نمونه چاپ سنگی و کاشی این دو اثر قابل توجه است. همان‌طور که اشاره شد، مسئله مهم در چاپ سنگی حاکمیت عنصر خط است که به لحاظ محدودیت‌های فنی و از نظر ایجاد برخی حالات بصری، جبران‌کننده عناصر دیگر از قبیل رنگ و بافت را نیز بر عهده دارد. در جایی خط عامل جداکننده اشکال از یکدیگر و در جایی با تکثیر و تجمع در قسمت‌های مورد نیاز، سبب نمایش جنسیت، تیرگی-روشنی، ژرفانمایی و پلان‌بندی‌ها از یکدیگر می‌شود. ارزش‌های بصری خطی و تنوع آن در نحوه اجرا و پیوستگی‌شان تداعی‌کننده سطوح و سبب ارتباط بصری میان خطوط، سطوح و ترکیب فضاهای پر و خالی و همچنین در برخی موارد، سبب ایجاد تنوع و ریتم در تصویر می‌شوند.

در هنرهای تجسمی، خط دارای ماهیتی پویا و با انرژیست و به علت قابلیت انعطافش در بیان حالات و احساسات گوناگون

البدان ناصری و توسط ابوتراب غفاری در تهران، به سال ۱۲۹۴ هـ. ق. / ۱۸۷۷ م در صفحه ۱۰۲ به چاپ رسیده است. می‌توان نمونه عینی متأثر از چاپ سنگی آن را که به عنوان نمونه ای از هنر تصویرسازی بر روی کاشی و با تقلید از شیوه اجرایی چاپ سنگی صورت گرفته - مشاهده کرد (تصاویر ۱۶). همان‌طور که در تصویر می‌توان دید در ترسیم چهره و لباس شباهت سازی کاملاً رعایت شده و در پاره‌ای قسمت‌ها سایه روشن‌های قوی‌تری وجود دارند. اجرای این سایه روشن‌ها به شیوه هاشورهای بریده بریده و موازی و در قسمت‌هایی در امتداد هم، طوری قرار گرفته‌اند که در تصویر القای عمق ایجاد کنند. این هاشورها در قسمت‌هایی از تصویر به صورت عمودی و در برخی قسمت‌ها به طور افقی و مایل، به تناسب اجزاء و در بازنمایندن بهتر اندام، چهره و لباس قرار داده شده‌اند. عمق نمایی با استفاده از تجمع و تفرق هاشورها در قسمت‌های ملزوم و با استفاده از تنها یک رنگ، سبب شده تا اثر از دقت و ظرافت بهتری برخوردار گردد. هنرمند در این اثر تلاش کرده تا حالت روحی و روانی موجود در شخصیت اثر را نمایان سازد.



تصاویر ۱۶- پرتره اتابک میرزا تقی خان فراهانی. صدر اعظم دولت علیه ایران. ۱۲۶۸ ه. ق. مرآت البدان ناصری، ابوتراب غفاری.
نمونه کاشی موجود، میرزا تقی خان امیر کبیر، صدر اعظم ناصرالدین شاه. بدون رقم و تاریخ، اندازه: ۴۰*۴۰ سانتیمتر مکان: سرسرای ورودی کاخ گلستان، تهران.
ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۶۲۲)



مواردی از عکاسی استفاده می‌شده است. به عنوان نمونه می‌توان به تصویر میرزا تقی خان امیرکبیر اشاره نمود.

چهره «اتابک میرزا تقی خان فراهانی» صدراعظم دربار ایران در عهد ناصرالدین شاه، با ردای کشمیری گران بها، با حاشیه‌ای از خزهای با ارزشی که در آن ایام در لباس‌های درباریان بکار می‌رفت، به نمایش در آمده است. روی آن ردا، منگوله‌ای صدفی و یک مدال بزرگ مزین شده با تصویر چهره ناصرالدین شاه قرار دارد (Amanat, 2008, 207). این اثر نمونه چاپ سنگی از رجال درباری عهد قاجاری است که در جلد دوم کتاب مرآت







تصویر ۱۴- تک چهره رامبراند، باروک، قرن ۱۷م.





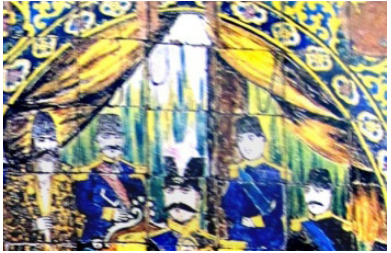





تصاویر ۱۵- بخشی از اثر: نمایش شیر و خورشید در کاشی. ماخذ: (سیف، ۱۳۷۶، ۱۸۴) بخشی از اثر، صفحه نخست روزنامه دولت علیه ایران بان نشان شیر شمشیر بدست و خورشید، شماره ۵۷۴، چاپ سنگی



جدول ۱- تطبیق موضوعات مشترک در تصاویر چاپ سنگی و کاشی نگاری.

نمونه نقاشی روی کاشی	نمونه چاپ سنگی	موضوع تصاویر
		<p>کاربرد تصاویر معماری و ابنیه</p>
		<p>جنبه روایتگری داستان و موضوعات تاریخی</p>
		<p>نمادهای اسطوره‌ای</p>
		<p>رجال سیاسی</p>

جدول ۲- تطبیق عناصر وارداتی در تصاویر آثار چاپ سنگی و کاشی نگاری.

نمونه نقاشی روی کاشی	نمونه چاپ سنگی	عناصر تزئینی کفیوش
		<p>عناصر تزئینی کفیوش</p>
		<p>نفوذ عناصر هنر اروپایی</p>
		<p>نفوذ عناصر هنر و</p>
		<p>عناصر هندی</p>

جدول ۳- تطبیق جنبه های فنی و عناصر بصری مشترک تصاویر چاپ سنگی و کاشی نگاری.

نمونه نقاشی روی کاشی	نمونه چاپ سنگی	کاربرد بافت
		استفاده از هاشورهای متنوع و متقاطع
		استفاده از بافت های تزئینی
		استفاده از بافتهای نقطه‌ای
		استفاده از هاشور عمودی و افقی

جدول ۴- تطبیق عناصر مشترک در صحنه آرایه آثار چاپ سنگی و کاشی نگاری.

نمونه نقاشی روی کاشی	نمونه چاپ سنگی	عناصر تزئینی کفپوش
		کاربرد عناصر گیاهی در تزیین کفپوش
		کاربرد هاشورهای افقی در تزیین کفپوش
		کاربرد عناصر بصری
		روش نمایش توده های ابر

نتیجه

هرچه سریع‌تر این فرهنگ مؤثر بوده است. آثار چاپ سنگی نه تنها مورد توجه مردم بود بلکه بر سایر هنرها و هنرمندان نیز تأثیر گذاشت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کاشی‌نگاران در دو

گسترش شیوه چاپ سنگی، زمینه‌های بوجود آمدن فرهنگ تصویری جدیدی را در نیمه دوم حکومت قاجاریه در ایران فراهم ساخت. تعدد این آثار و امکان تهیه آنها با هزینه اندک، در گسترش

همچنین از جنبه موضوعی و سبک شناسی، کاشی نگاران به تأثیر از آثار چاپ سنگی موضوع‌هایی را بر سطح کاشی‌ها به تصویر کشیدند که تا قبل از آن سابقه نداشت. اغلب نشریات و سفرنامه‌ها با تصاویری واقع‌گرایانه و عکس‌گونه وقایع روز، اشخاص و اماکن را به تصویر می‌کشیدند. از این طریق مسئله گرایش هنر قاجار به سوی طبیعت‌گرایی و عینیت‌پردازی در آثار چاپ سنگی، بر آثار کاشی‌نگاری تأثیر جدی بر جای نهاد. بدین ترتیب مجموعه‌ای از آثار کاشی‌نگاری با موضوع تصویر رجال حکومتی، ابنیه تاریخی، وقایع روز، شخصیت‌های تاریخی و داستان‌های ادبی به وجود آمد. علاوه بر تأثیر نقاشی اروپایی، از آنجا که بسیاری از آثار ادبی چاپ سنگی هندی نیز به ایران وارد می‌شد و در اختیار هنرمندان ایرانی قرار می‌گرفت، بسیاری از آثار کاشی‌نگاری این دوران عناصر و الگوهای سبک شناسی بر گرفته از الگوهای هنر هندی را به نمایش می‌گذارند. طبیعت‌پردازی متأثر از این شیوه و نیز قالب نقوش و اشکال و لباس‌های افراد در کاشی نگاره‌های با موضوع‌های ادبی، یادآور تصاویر هندی است.

بعد از آثار چاپ سنگی متأثر بوده اند. الف- از جنبه فنی و ب- از جنبه موضوع و سبک. از جنبه فنی محدودیت‌های نقاشی با لعاب بر سطح کاشی، عاملی بود تا تصاویر ایجاد شده تا قبل از گسترش چاپ سنگی در قالب دو بعدی به صورت تخت و بدون سایه روشن و در ادامه شیوه‌های سنتی نگارگری ایرانی ترسیم شوند. به دلیل محدودیت امکانات فنی چاپ سنگی و عدم استفاده از رنگ، خط به عنوان عنصر اصلی بصری در این آثار مورد توجه قرار گرفته و جلوه‌های بصری به ویژه سایه روشن و عمق‌نمایی را از طریق هاشورزنی به نمایش می‌گذاشت. هنرمندان کاشی کار دوره قاجار، از این شیوه و به صورت اجرای هاشورهایی با خطوط بریده و متقاطع و یا خطوط موازی در کنار هم، سود جست و آن‌را در نقاشی‌های خود بر روی کاشی‌ها به اجرا درآوردند. از طریق سایه زدن به روش هاشور حصری یا نقطه نقطه کاری، حجم‌پردازی و عمق‌نمایی در تصاویر منقوش بر کاشی‌های دوره قاجار آشکار شد. بدین ترتیب دشواری فنی ایجاد تاریک‌روشنی در نقاشی با لعاب مرتفع شد.

فهرست منابع

London, Newyork.

Robinson, b. w(1999), *Qajar paintings*, Royal Persian painting, Laila S dyba. I.B.tauris publishers.inc, association with Brooklyn Museum of Art.

پی‌نوشت‌ها

۱ چاپ سنگی: لیتوگرافی (Lithography) یا چاپ سنگی اصطلاحی رایج برای اسلوبی خاص در لوحه‌سازی و چاپ دستی است. یک نقاش اتریشی به نام آلوئیس زینفلدر چاپ سنگی را در سال ۱۷۹۸ میلادی اختراع کرد (پاکباز، ۱۳۷۸، ۴۸۸).

۲ کاشی‌نگاری: اصطلاح کاشی‌نگاری و کاشی‌نگار توسط هادی سیف در کتاب «نقاشی بر روی کاشی» به کار برده شده است (سیف، ۱۳۷۶، ۱۴). در این مقاله نیز به پیروی از این منبع کاشی‌نگاری به معنای تصویرگری بر سطح کاشی به کار رفته است.

۳ موضوع تأثیر پذیری نگارگری ایرانی از آثار هندی توسط هنرپژوهان متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است. این موضوع که از دوران صفویه و مکتب اصفهان آغاز می‌شود، نتیجه تبادل فرهنگی با امپراتوری گورکانیان هند است. مهاجرت نگارگران ایرانی مکتب تبریز به دربار همایون زمینه گسترش نگارگری ایرانی را در آن سرزمین فراهم ساخت. ر. دبلیو. فریه معتقد است که نگارگران، خوشنویسان و شاعران ایرانی از میانه سده دهم هجری در سایه هنردوستی گورکانیان هند به شهرت و نعمت دست یافته بودند و سپس در میانه سده یازدهم هجری نیز چندین تن از نگارگران پیشرو ایران پیش از آنکه در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران بازگردند به کشمیر رفته و در کارگاه‌های جهانگیر شاه گورکانی و سپس اورنگ زیب به خدمات هنری گماشته شدند (فریه، ۱۳۷۴، ۲۲۰). نویسنده بازگشت این دسته از هنرمندان را از عوامل شرقی تأثیرگذار بر نقاشی اواخر دوره صفوی می‌داند. همچنین ابوالعلاء سودآور نیز در این باره به نکات قابل توجهی اشاره نموده و بهرام سفره‌کش و شیخ عباسی را از اولین مقلدان نقاشی هندی و در این راستا مقدم بر عیقلی جبه‌دار و محمد زمان معرفی می‌کند (سودآور، ۱۳۸۰، ۳۶۵). بدین ترتیب زمینه‌های تأثیر پذیری از هنر هندی در دوران‌های بعدی نیز فراهم شد که این نکته در تصویر سازی شاهنامه‌های چاپ سنگی آشکار می‌شود.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۲۵۹)، *مرآت البلدان ناصری*، جلد دوم، تهران: افشارمهاجر، کامران (۱۳۸۴)، *هنرمند ایرانی و مدرنیسم*، نشر دانشگاه هنر، تهران: بی‌نام اردیبهشت (۱۳۶۳)، *دوره روزنامه‌های شرف و شرافت*، نمره ۶۸ و ۱۲ اشرف، انتشارات یساولی. بی‌نام (۱۳۷۰)، *روزنامه دولت علیه ایران*، جلد اول، نشر کتابخانه ملی به شماره ۴۷۲، تهران.

پاکباز، روبین (۱۳۷۸)، *دایرة المعارف هنر، نشر فرهنگ معاصر*، تهران. پورتر، ونیتیا. (۱۳۸۱)، *کاشی‌کاری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲)، *نقاشی قاجاریه*، نشر کاوش قلم، تهران. خان سالار، زهرا. حسینی راد، عبدالمجید (پاییز ۱۳۸۴)، بررسی کتابهای چاپ سنگی مصور دوره قاجار، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۳، ۸۶.

ذکاء، یحیی (۱۳۸۲)، *زندگی و آثار صنایع‌الملک*، نشر سازمان میراث‌فرهنگی، تهران. رفیق، احمد، (تابستان ۱۳۸۴)، چاپ سنگی، *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، ۱۳۳.

سرمدی، عباس (۱۳۸۰)، *دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام از مانی تا کمال‌الملک*، انتشارات هیرمند، تهران.

سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰)، *هنر دربارهای ایران*، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، نشر کارنگ، تهران.

سیف، هادی (۱۳۷۶)، *نقاشی روی کاشی*، انتشارات سروش، تهران. صمدی، هاجر، مارزلف، اولریش (۱۳۸۶)، *هزار و یک سنگ*، کتاب ماه کودک و نوجوان، مرداد، شهریور، مهر، صفحه ۳.

فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴)، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزاد، تهران. کاربونی، استفانو و ماسویا تومو کو (۱۳۸۱)، *کاشی‌های ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

مارزلف، اولریش (۱۳۸۴)، *البوم شاهنامه*، نشر کتابخانه ملی، تهران. محمدی، محمدهادی، مارزلف، اولریش (۱۳۸۴)، *البوم شاهنامه (تصاویر چاپ‌های سنگی شاهنامه فردوسی)*، نشر چیستا، تهران.

مراثی، محسن (۱۳۷۹)، *نقاشان بزرگ و عکاسی*، انتشارات دانشگاه شاهد، تهران. Amanat, Abbas(2008), *Pivot of the universe*, I.B.tauris,